

## درس دوم

### صفات مقایسه‌ای در زبان انگلیسی

I do not try  
to be better  
than anyone else.  
I only try to be  
**better than  
myself.**  
-Dan Jansen

**صفات هم پایه:** (همانند یا برابر): به صفاتی گفته می‌شود که دو نفر یا دو چیز در یک صفت مشترک باشند بگونه‌ای که به یک اندازه از آن

صفت برخوردار باشند (هیچ تفاوتی میان آنها نباشد). در این صورت در زبان انگلیسی از ترکیب **as + adjective + as** استفاده می‌کنیم.

She is **as old as** her sister.

او هم سن خواهرش است.

I'm almost **as good as** in math **as** in science.

من درس ریاضیم به اندازه درس علومم خوب است.

This book is **not as exciting as** the other one.

این کتاب به اندازه آن کتاب هیجان انگیز نیست.

This cafe is **not as crowded as** that café.

این رستوران به اندازه آن رستوران شلوغ نمی‌باشد.

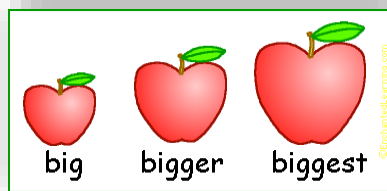
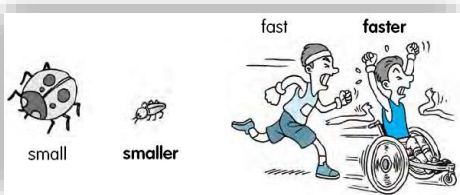
Russian is **not quite as difficult as** Chinese.

زبان روسی دشوار تر از زبان چینی نیست.

### صفات برتر یا تفضیلی (Comparative Adjectives)

از صفات تفضیلی برای مقایسه دو نفر یا دو چیز استفاده می‌شود. توجه داشته باشید که ما زمانی از صفات مقایسه‌ای استفاده می‌کنیم که می‌خواهیم

دو چیز را با هم مقایسه کنیم نه بیشتر. این صفت به شکل زیر درست می‌شود:



### 1- صفات برتر تک سیلابی

اگر صفت تک بخشی باشد از ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

**er + than + صفت**

ساده	برتر	بوتترین
clean	cleaner	cleanest
new	newer	newest
cheap	cheaper	cheapest

This computer is **better than** that one.

این کامپیوتر بهتر از آن کامپیوتر است.

She's **stronger** at chess **than** I am.

او در بازی شطرنج بهتر از من می باشد.

It's much **colder** today **than** it was yesterday.

امروز خیلی سردتر از دیروز است.

Our car is **bigger than** your car.

ماشین ما بزرگتر از ماشین شما است.

This grammar topic is **easier than** most others.

این موضوع دستوری آسانتر از بیشتر موضوعات دیگر است.

**2- صفات برتر دو یا چند سیلابی**

اگر صفت مورد نظر ما چند بخش باشد. مانند Expensive, useful, powerful : به ابتدای این صفات کلمه **more** را اضافه می کنیم.

**more + صفت + than**

I find science **more difficult than** mathematics.

برای من درس علوم خیلی دشوارتر از درس ریاضیات می باشد.

This car is **more expensive than** that car.

این ماشین گران تر از آن ماشین است.

Paris is **more modern than** Shiraz.

شهر پاریس از شهر شیراز امروزی تر می باشد.

This book is **more useful than** that book.

این کتاب سودمند تر از آن یکی می باشد.

**نکته:** برخی از صفات در صفات تفضیلی ساختار بی قاعده ای دارند و از ساختار بالا پیروی نمی کنند.

good → better

well (healthy) → better

far → farther/further

bad → worse

This car is **better than** that car.

این ماشین از آن یکی ماشین بهتر است.



## صفات برترین یا عالی: (Superlative Adjectives)

صفات عالی به صفاتی گفته می شود که برای مقایسه یک چیز و یا یک شخص با تمام چیزهای دیگر به کار می رود.

### 1- صفات برترین تک سیلابی:

اگر صفت تک بخشی باشد در این صورت در انتهای آن **est** اضافه می کنیم.

**the + صفت + est**

old → the oldest

big → the biggest

tall → the tallest

fast → the fastest

Michael is **the oldest** boy at the party.

مایکل بیشترین سن را در مهمانی دارد.

Amazon is **the longest** river in the world.

رودخانه آمازون طولانی ترین رودخانه دنیا می باشد.

He's **the oldest** teacher in our school.

اون مسن ترین معلم مدرسه ما می باشد.

### 2- صفات برترین دو یا چند سیلابی:

اگر صفت چند بخشی باشد در ابتدای صفت کلمه ی **the most** را استفاده می کنیم.

**the most + صفت**

That was **the most** difficult test of all our tests.

آن سخت ترین آزمون ما در میان تمام آزمون هایمان بود.

Arash is one of **the most** serious students in class.

آرش جدی ترین دانش آموز کلاس ما می باشد.

This is **the most** beautiful park in Tehran.

این زیباترین پارک در شهر تهران است.

صفات برتر و برترین بی قاعده Irregular adjectives

**نکته:** برخی از صفات در صفت برتر یا برترین، ساختار بی قاعده ای دارند و از ساختار بالا پیروی نمی کنند.

معنی	برترین	برتر	ساده
خوب- بهتر- بهترین	best	better	good
بد- بدتر- بدترین	worst	worse	bad
مقدار زیاد- بیشتر- بیشترین	most	more	much
تعداد زیاد- بیشتر- بیشترین	most	more	many
مقدار کم- کمتر- کمترین	least	less	little
کوچک- کوچکتر- کوچکترین	smallest	smaller	little

- Italian food is **better** than American food.
- My dog is **the best** dog in the world.
- My mother's cooking is **worse** than your mother's cooking.
- Of all the students in the class, Max is **the worst**.

**چند مثال:**

- This morning is **more peaceful** than yesterday morning.
- Max's house in the mountains is **the most peaceful** in the world.
- Max is **more careful** than Mike.
- Of all the taxi drivers, Jack is **the most careful**.
- Jill is **more thoughtful** than your sister.
- Mary is **the most thoughtful** person I've ever met.
- The roads in this town are **narrower** than the roads in the city.
- This road is the **narrowest** of all the roads in California.
- Big dogs are **gentler** than small dogs.
- Of all the dogs in the world, English Mastiffs are **the gentlest**.

**چند نکته:**

**1-** صفاتی که به **y** ختم می شوند، حتی اگر چند هجایی باشند نیز از همان قواعدی استفاده می کنند که برای صفات یک هجایی بکار می روند، اما باید توجه داشته باشید که در اینصورت موقع اضافه کردن **est** و **er** و **y** به **i** تبدیل می شود:

صفات چند سیلابی ختم به **y**

ساده	برتر	برترین	نکته
dirty	dirtier	dirtiest	y به i تبدیل می‌شود.
easy	easier	easiest	
happy	happier	happiest	حرف بی صدای قبل از y دابل می‌شود.
funny	funnier	funnies	
pretty	prettier	prettiest	
shy	shyer	shyest	در این کلمه، چون y صدای "وای" میدهد، به i تبدیل نمی‌شود.

- 
- John is **happier** today *than* he was yesterday.
- John is **the happiest** boy *in* the world.
- Max is **angrier** *than* Mary.
- *Of* all of John's victims, Max is **the angriest**.
- Mary is **busier** *than* Max.
- Mary is **the busiest** person I've ever met.

2- هنگام اضافه کردن er یا est به انتهای صفات یک هجایی که دارای یک حرف با صدا هستند و به یک حرف بی صدا ختم می‌شوند (مانند big)، حرف بی صدای آخر تکرار می‌شود:

ساده	برتر	برترین
big	bigger	biggest
sad	sadder	saddest
hot	hotter	hottest
fat	fatter	fattest

ولی اگر صفتی دارای بیش از یک حرف صدا دار بود، در این صورت حرف بی صدای آخر تکرار نمی‌شود:

ساده	برتر	برترین
great	greater	greatest

3- صفاتی که به e ختم می‌شوند، هنگام اضافه کردن er یا est، e خود را از دست می‌دهند:

ساده	برتر	برترین	نکته
blue	bluer	bluest	e حذف می‌شود.
large	larger	largest	
strange	stranger	strangest	

4- صفاتی که به **ow , le , er** ختم می‌شوند، حتی اگر دو بخشی باشند، هم مانند صفت تک سیلابی محسوب می‌شوند و هم چند سیلابی.

معنی	برترین	برتر	ساده
باهوش	cleverest- the most clever	cleverer	clever
مهربان - آرام - ملایم - نجیب	gentlest- the most gentle	gentler	gentle
ساده	simplest- the most simple	simpler	simple
پوک - پوچ - خشک - خالی	hollowest- the most hollow	hollower	hollow
باریک - تنگ - کم پهنا	narrowest- the most narrow	narrower	narrow

5- شکل برتر و برترین برخی از صفات به دو صورت است و تفاوت معنایی دارند.

ساده	برتر	برترین
<b>far</b> دور - زیاد	farther	farthest
	further	furthest
<b>late</b> دیر - اخیر	later	latest
	latter	x
	x	last
<b>old</b> پیر - کهنه	older	oldest
	elder	eldest
<b>near</b> نزدیک	nearer	nearest
	x	next

نکاتی برای مطالعه بیشتر: (ویژه زبان تخصصی)

1- زمانی که یک چیز را در صفات عالی مقایسه می‌کنیم از **the** استفاده نمی‌کنیم.

England is **coldest** in winter. (not the coldest).. انگلستان در زمستان، سردترین حالت خود را دارد.

Kouhrang is **most beautiful** in June. کوهرنگ در ماه ژوئن، زیباترین حالت خود را دارد.

2- برخی از صفات برتر و برترین هر دو حالت را به خود می‌گیرند.

ساده	برتر	برترین
clever	cleverer / more clever	cleverest / most clever
common	commoner / more common	commonest / most common
likely	likelier / more likely	likeliest / most likely
pleasant	pleasanter / more pleasant	pleasantest / most pleasant
polite	politer / more polite	politest / most polite
quiet	quieter / more quiet	quietest / most quiet
simple	simpler / more simple	simplest / most simple
stupid	stupider / more stupid	stupidest / most stupid
sure	surer / more sure	surest / most sure
subtle	subtler / more subtle	subtlest / most subtle



## انواع صفت

**تعریف صفت:** به طور کلی صفت به کلمه یا کلماتی گفته میشود که توصیفی از یک اسم ارایه می دهند (مانند رنگ، شکل، اندازه، سن، هدف....) و در

جاهای زیر به کار می روند:

### 1- صفت بعد از افعال to be و افعال حسی و ربطی

مثال:

Ali is strong but his brother is weak.

در این جمله، is فعل to be و weak و strong صفت هستند که بعد از آن آمده اند.

Mary feels happy.

در این جمله، seems فعل حسی و happy صفت است.

نکته: افعال حسی و ربطی که در مجموع آنها را linking verbs می گویند عبارتند از:

ماندن	افعال حسی	شدن	به نظر رسیدن
stay	feel	go	look
keep	taste	turn	seem
remain	smell	become	sound
		get	appear

## 2- صفت قبل از موصوف خود

مثال: در جمله زیر، smart صفت و girl اسم یا موصوف است.

Mina is a smart girl.

## انواع صفات

انواع صفت در جدول زیر داده شده است و اگر در جمله ای لازم باشد صفات را به ترتیب بیاوریم، از جدول زیر تبعیت می‌کنیم.

نوع صفت	What the adjective expresses	مثال:
شمارنده ها، کمیت یا عدد	Quantity or number	four, ten, a few, several
کیفیت، ارزش یا نظر	Quality, value or opinion	delicious, lovely, beautiful
اندازه	Size	tall, small, huge, big
دما	temperature	hot, cold, lukewarm
سن	Age	old, young, new, 14-year-old
شکل	Shape	square, round, oval
رنگ	Color	red, purple, green
منشا	Origin	Korean, Iranian, Chinese
جنس	Material	glass, silver, wooden, cotton
هدف (اسم)	Purpose or qualifier	sleeping, eating

مثال:

اسم	هدف	جنس	ملیت	رنگ	شکل	سن	دما	اندازه	کیفیت	شمارنده ها
man			English			young	-	big	silly	A
bowls		metal			round		-	huge		Some
Bags	sleeping		Iranian	red			-	small		Two